

Challenges and Solutions of Rendering the Predicative "Kam" in Persian Translations of Holy Quran

Ali Saberi¹, Zahra Esmaeili²

1- Associate Professor and Faculty Member, Department of Arab Language and Literature, Central Tehran University, Tehran, Iran

2- PHD student, Department of Arab Language and Literature, Central Tehran University, Tehran, Iran

Abstract

Translation of Holy Quran as a Book revealed by God, which contains the Divine Decrees, human guidance and the miracle of the Holy Prophet of Islam has caught the attention of many translators and scholars. Since the translations of Holy Quran like every other translation may include deficiencies, their revision is of particular importance; thus, their critical revision is of vital importance. One of the difficulties of translators in the translation of Holy Quran is rendering the particles of reduction and addition including the word "kam" [how much/many] which causes certain challenges for the translators in its rendition. Then, critical assessment of Persian translations of Holy Quran from this perspective is important in order to determine the type of "kam" and the section of the sentence that is conditioned with it. In the current essay through the expression of the challenges of the translation of "kam", a translation has been used as sample and then we have proceeded to provide a critical review of the translations of such translators as Razi, Fuladvand, Makarem Shirazi, and Khoramshahi. Accordingly, the deficiencies of the aforementioned translations have been clarified which are as follows: identification of the type of "kam", determination of the conditioned part of the sentence, discord of the translations in rendering various verses, lack of stipulation of the meaning of self-glorification in the translation of predicative "kam", and literal translation of the preposition "min" before objective predicate.

Keywords: translation of Quran, reduction particles, addition particles, predication "kam".

چالش‌ها و راهکارهای برگردان «کم» خبری در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم

علی صابری^۱، زهرا اسماعیلی^{۲*}

۱- دانشیار و عضو هیات علمی، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران مرکز، تهران، ایران

papergold.publications@gmail.com

۲- دانشجوی دکترا، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران مرکز، تهران، ایران

zahra_s6455@yahoo.com

چکیده

ترجمه قرآن کریم از این دیدگاه که کتاب فرستاده‌شده خداوند و شامل احکام و دستورات الهی، هدایت بشر و معجزه پیامبر اسلام به شمار می‌رود، توجه بسیاری از مترجمان و اندیشمندان را به خود جلب کرده است. از آنجایی که ترجمه‌های قرآن مانند هر ترجمه دیگری ممکن است کاستی‌ها و نقص‌هایی داشته باشد؛ بر همین اساس بازنگری آنها نیز اهمیت ویژه‌ای دارد که در آن صورت نقد و اصلاح آن به مراتب ضرورت بیشتری خواهد داشت. یکی از دشواری‌های مترجمان در ترجمه قرآن کریم برگردان ادوات نحوی چون ادوات تقلیل و تکثیر از جمله واژه «کم» است که گاهی مترجمان در برگردان آن با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند که بررسی و نقد برگردان این واژه در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم ضروری می‌نماید تا مشخص شود نوع «کم» چیست و کدام رکن جمله را مقید می‌کند. در مقاله حاضر با روش تحلیلی توصیفی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و باتکیه بر منابع نحوی، تفسیری و لغوی ضمن تبیین و توضیح نوع «کم» و بیان چالش‌های ترجمه «کم» یک نمونه ترجمه، برای الگوی آیاتی پیشنهاد شده که «کم» در آنها به کار رفته است، سپس با بررسی و نقد ترجمه مترجمانی چون رازی، فولادوند، مکارم شیرازی، خرمشاهی، مهم‌ترین کاستی‌های آنان را در برگردان «کم» بیان شده است. این کاستی‌ها عبارتند از: تشخیص نوع «کم»، تعیین رکن مقید جمله، ناهماهنگی در ترجمه آیات مختلف، منعکس نشدن معنای مباهات و تفاخر در برگردان «کم» خبری و ترجمه تحت‌اللفظی حرف «من» قبل از تمیز.

واژه‌های کلیدی

ترجمه قرآن، ادوات تقلیل، ادوات تکثیر، کم خبری.

طرح مسئله

قرآن کریم کتاب مقدس مسلمانان از همان آغاز محور فکری و عملی آنان در طول تاریخ بوده است. گفته می‌شود از نخستین زبان‌هایی که قرآن کریم بدان ترجمه شد، زبان فارسی بود که سلمان فارسی ترجمه کرد. ایرانیان از سویی به سبب علاقه قلبی به اسلام و قرآن و از سوی دیگر با هدف گسترش علوم قرآنی اقدام به ترجمه و تفسیر قرآن کردند که حاصل آن صدها تفسیر و ترجمه پارسی است و در ضرورت ترجمه در کتاب تفسیر تاج‌التراجم به نقل از اسفراینی خوانده می‌شود «ناچار بود که قرآن را ترجمه باشد به زبانی دیگر تا اهل لغت آن را بدانند و تریب ایشان بدان حاصل شود و از بهر این معنی بود که سلمان فارسی از مصطفی - صلی الله علیه وسلم - دستوری خواست تا قرآن به پارسی به قوم خویش نویسد، وی را دستوری داد. چنین گفته‌اند که وی قرآن بنیشت و پارسی آن اندر زیر آن بنیشت آنکه به آخر آن بنیشت: هذا القرآن الذی أنزل علی محمد...» (اسفراینی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۸)؛ اما نخستین ترجمه قرآن کریم شناخته شده به زبان فارسی مربوط به قرن سوم یا چهارم هجری است. بعدها ترجمه‌های دیگری از قرآن کریم صورت گرفت که آن در مدخل «ترجمه قرآن» در دایره‌المعارف تشیع یافته شد (روحانی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۲۱۳).

در پنجاه سال اخیر مترجمان از ترجمه قرآن به زبان فارسی استقبال فراوان کردند و نتیجه آن ده‌ها ترجمه فارسی جدیدی است که پا به میدان فرهنگ قرآنی گذاشته است. از جمله آنها به ترجمه محمدمهدی فولادوند، الهی قمش‌های، ناصر مکارم شیرازی و بهاء‌الدین خرمشاهی اشاره می‌شود و

در پی این تحول بود که معرفی و ارزیابی ترجمه‌های قرآن مد نظر اندیشمندان سخن‌سنج قرار گرفت که ره‌آورد آن نگارش مقالات انتقادی فراوان و تشکیل نشریات تخصصی ویژه برای چاپ این مقالات و برگزاری همایش‌ها گوناگون در این باره بود.

یکی از چالش‌هایی که مترجمان در برگردان قرآن کریم پیوسته با آن روبه‌رو هستند، ترجمه ادوات تقلیل و تکثیر در قرآن است. در این میان ترجمه «کم» به علت بسامد فراوانش در قرآن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ بنابراین در این مقاله ضمن تبیین این واژه و تعیین دلالت‌های آن و پیشنهاد برگردان مناسب، گامی در رفع این چالش‌ها برداشته شده و با مقایسه و تحلیل ترجمه‌های فارسی قرآن کریم و بیان کاستی‌ها و توانمندی‌های هر کدام برای اصلاح و همسان‌سازی برگردان‌های قرآن کریم به زبان شیوای فارسی تلاش شده است.

این مقاله به روش توصیفی تحلیلی با کمک گرفتن از دیدگاه مفسران و نحویان به نقد و بررسی برگردان «کم» در برخی ترجمه‌های موجود قرآن کریم نوشته شده و ضمن بیان نوع و مفهوم «کم» و تعیین رکن مقید جمله در هر آیه و پس از ارائه یک الگوی ترجمه، ترجمه‌ها را نقد و بررسی کرده است و در این راستا برای اختصار در کار آیاتی که سیاق و ساختار مشابهی داشتند، در یک دسته قرار گرفته و هردسته یک‌جا بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

در زمینه نقد ترجمه‌های قرآن کریم پژوهش‌های فراوانی انجام شده و کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است؛ اما براساس تحقیق مؤلفان تاکنون کار

عبارتند از «کم» و «کأین» و ادوات غیرکنایی شامل «قد» و «رب» می‌شود.

«قد» وقتی بر سر فعل مضارع می‌آید، گاهی دلالت بر تقلیل می‌کند و گاهی نشانه تکریر است (ابن هشام، ۲۰۰۹، ج ۱، ص ۲۴۹)، مانند (قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ) (بقره، ۱۴۴)، (ما می‌بینیم که بسیار به هرسو در آسمان روی می‌گردانی) که دلالت بر کثرت روکردن پیامبر(ص) به آسمان دارد.

یکی از معانی «رب» نیز تکریر است (همان، ۱۴۹)؛ مانند (رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ) (حجر، ۲)، چه بسا کسانی که کافر شدند، آرزو کنند کاش مسلمان بودند.

۱-۱. ادوات کنایی

کنایه از فعل «کنی، یکنو - یکنی» در لغت به معنای پنهانی و نهانی و در اصطلاح به معنای تعریض است؛ یعنی درباره کسی یا چیزی بدون صراحت سخن گفتن (سکاکی، ۱۹۳۷م، ص ۱۸۹). یکی از انواع کنایه‌ها، کنایه‌های عددی است که شامل «کم، کأین و کذا» است و به این دلیل به آنها کنایه می‌گویند که مدلول (معدود) آنها مبهم است و صراحتاً مشخص نیست (عباس، ۲۰۰۷م، ج ۴، ص ۵۲۸).

«کأین» اسمی است مرکب از کاف تشبیه و «أی» با تنوین، این کلمه نوع خاصی از معنای تکریر را می‌رساند و آن تکریر در عدد است (سیوطی، ۱۴۳۲ق، ج ۴، ص ۳۱۱) مثل (وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيشُونَ كَثِيرٌ) (آل عمران، ۱۴۶) و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه کارزار کردند.

مستقلی در زمینه نقد ترجمه «کم» در قرآن کریم انجام نشده است، جز مقاله‌ای با نام «چالش مترجمان قرآن در برگردان ادوات تقلیل و تکریر به زبان فارسی» در مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان ادبیات عربی» سال ۵ شماره ۱۳، ۱۳۹۴ از علی صابری که در آن تنها به صورت گزینشی نمونه‌هایی از این ادوات بررسی شد.

ادوات تقلیل و تکریر و چالش‌های برگردان این ادوات

۱. ادوات تقلیل و تکریر در زبان عربی

«ادوات» جمع «اداء» است و ادوات قرآن یعنی حروف و هرچه که به حروف شباهت دارد، هرچند اسم یا فعل باشد. این ادوات در قرآن فراوان است و چون بر معانی متفاوتی دلالت می‌کنند، اهمیت فراوانی در فهم قرآن نیز دارند؛ مانند: ادوات نهی، نفی، استفهام، عطف، تأکید، استثنا، دعا، ندا، تعلیل، الصاق، اباحه، ابتدای غایت، اختصاص، تقلیل، تکریر، تمنی، تنبیه، تنويع، تنزیه، زائد، شرط، موصول، امر، شک، عرض، غایت، قرب، جمع، تعریف (سیوطی، ۱۴۳۲ق، ج ۴، ص ۱۷۵).

اما ادوات تقلیل و تکریر در علم نحو واژه‌هایی اند که مفهوم معجمی آنها فزونی یا کاستی نیست؛ بلکه این واژه‌ها برای دلالت بر تقلیل و تکریر وضع شده‌اند و به آنها ادوات تقلیل و تکریر می‌گویند و تنها زمانی بر این مفهوم دلالت دارند که در یک ساختار دستوری قرار گیرند.

این ادوات به دو دسته ادوات کنایه‌های عددی و ادوات غیرکنایی تقسیم می‌شوند. ادوات کنایی عددی

۲-۱-۱. وجوه اشتراک کم خبری و پرسشی

«کم» خبری دربارهٔ زیر با «کم» پرسشی مشترک است:

اسم‌بودن، مبهم‌بودن، یعنی نیاز به تفسیر و توضیح داشتن (و سبب اینکه این واژه‌ها را مبهم می‌دانند یا به سبب مبهم‌بودنشان برای مخاطب یا به دلیل نسیان و فراموشی دقیق مقدار آن است)، مبنی‌بودن، صدرنشین بودن (ابن‌هشام، ۲۰۰۹م، ج ۳، ص ۴۳).

۳-۱-۱. تفاوت «کم» خبری با «کم» پرسشی

در این پژوهش برای شناخت «کم» خبری از «کم» پرسشی لازم است به پنج تفاوتی توجه کرد که نحویان دربارهٔ این دو نوع «کم» بیان کرده‌اند. این تفاوت‌ها عبارتند از:

* کلام با «کم» خبری احتمال صدق و کذب دارد، برخلاف «کم» پرسشی؛ از این رو متکلم با کم خبری منتظر جواب نیست.

* تمیز کم خبری ممکن است جمع بیاید یا مفرد، چون «کم حربٍ أو حروبٍ شارکت فیها!»؛ ولی تمیز «کم» پرسشی همیشه مفرد است؛ مانند «وکم یوماً لَکِثَ فی مدینتنا؟»

یکی از نکته‌های مهم در این بحث این است که تمیز «کم» خبری هرچند مفرد می‌آید، دلالت بر جمع دارد و بهترین دلیل بر این ادعا آیه (وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى) (نجم، ۲۶) است؛ همان‌گونه که دیده می‌شود تمیز «کم» یعنی «ملک» به صیغهٔ مفرد آمده است؛ اما دلالت بر مفهوم جمع دارد و برای همین است که ضمیر «هم» در «شفاعتهم»

و از آن جایی که در میان ادوات تقلیل و تکثیر کنایی واژه «کم» در متن قرآن کریم بیشترین را دارد، برای بررسی در این پژوهش برگزیده شد.

۱-۱-۱. انواع کم

«کم» اسم مبنی و صدارت‌طلب است؛ یعنی لزوماً در ابتدای سخن می‌آید و برای رساندن مفهوم نیاز به تمیز دارد (ابن‌هشام، ۲۰۰۹م، ج ۱، ص ۲۶۳) و بر دو قسم است:

خبری و پرسشی که نوع پرسشی آن به معنای پرسش از مقدار یا میزان مبهم است، یعنی «أی عدد» (سامرایی، ۲۰۰۰م، ج ۴، ص ۲۵۷)؛ مانند کم کتاباً قرأت؟ این نوع «کم» در قرآن نیز به کار رفته است: (قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ) (بقره، ۲۵۹) و (قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ) (کهف، ۱۹) و (قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ) (مؤمنون، ۱۱۲).

و نوع خبری «کم» به معنای خبردادن از مقدار بسیار و فراوان است (سیوطی، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۲۶۳)؛ مانند «کم مال أفادته یدی».

و این نوع اخیر «کم» است که با نام ادوات تکثیر در زبان عربی مطرح است و بیشتر در مقام افتخار و مباحثات به کار می‌رود (زرکشی، ۱۹۹۰م، ج ۴، ص ۳۲۸)؛ مانند (وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ) (نجم، ۲۶) و (وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا) (أعراف، ۴) و (وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ) (أنبياء، ۱۱).

اگرچه برخی دانشمندان مانند اخفش، منکر صدارت‌طلب بودن «کم» اند (زجاجی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۵۲).

۵-۱-۱. چالش‌های ترجمه «کم»

۵-۱-۱-۱. مفرد و جمع بودن تمیز «کم»: همان‌گونه که گذشت تمییز «کم» خبری گاهی جمع می‌آید و گاهی مفرد؛ اما در برگردان فارسی باید به صیغه جمع ترجمه شود؛ زیرا در آمدن آن به صورت مفرد دایره شمولش بیشتر از جمع و در دلالت مفهوم کثرت رساتر و شیواتر است؛ در نتیجه افراد بیشتری را شامل می‌شود (ازهری، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۰). شاید به همین دلیل است که در اعداد مفرد (۱-۱۰، ۱۰۰ و ...) اعداد عقود (۱۱-۱۹) و اعداد معطوف (۲۱-۹۹) تمیز مفرد به کار می‌رود و فقط برای عدد سه تا ده برای جمع «قلت» تمییز جمع به کار می‌رود (سامرائی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۳۳۹) که برای بیان این مفهوم در زبان مقصد باید به صیغه جمع ترجمه شود. مثال‌های این چالش عبارتند از:

الف) (أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ) (شعراء، ۷).

مفسران نوع «کم» را در این آیه خبری و برای تکثیر می‌دانند که با آمدن «کل» این کثرت، شمول و احاطه تأکید شده است (آلوسی، بی تا، ج ۱۹، ص ۶۲) و ابن‌عاشور «کم» را برای بیان کثرت و فراوانی رویش به کار برده است. گویا «کم» مفعول مطلق بیانی است و ظاهراً فراوانی رویش مد نظر او است، نه فراوانی جفت؛ زیرا معنای احاطه و شمول از «کل» حاصل می‌شود (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۱۹، ص ۱۰۱) و نگارنده البحر المحیط «کل» را برای شمول و فراوانی هر نوع جفتی دانسته و «کم» را برای فراوانی دایره شمول ذکر کرده است (أبو حیان، ۱۹۹۳م، ج ۷، ص ۷).

که به «ملک» بر می‌گردد، جمع آمده است (اندلسی، ۱۹۹۳م، ج ۸، ص ۱۶۱)؛ یعنی چه بسیار «فرشتگان» مقرب خداوند شفاعتشان نزد خدا اجابت نمی‌شود، مگر به اذن و رضایت پروردگار.

* بدل کم پرسشی همراه با همزه می‌آید؛ مانند «کم لبثت أیوماً أو یومین؟»؛ اما بدل کم خبری نیاز به این همزه ندارد (رضی، ۱۹۹۶م، ج ۳، ص ۱۵۳).

اگرچه برخی نحویان معتقدند تمییز کم خبری واجب است مجرور بیاید، تمیز کم پرسشی پیوسته منصوب است؛ مانند کم کتاباً قرأت؟ (ابن‌مالک، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۱۱۷)؛ اما با تأمل در آیات قرآنی خلاف این قاعده ثابت می‌شود، مثلاً در آیه (سَلِّ يَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمُ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ) (بقره، ۲۱۱) و مفسرانی همچون ابو حیان الأندلسی «کم» را پرسشی دانسته‌اند (اندلسی، ۱۹۹۳م، ج ۲، ص ۱۳۵)، به این دلیل که خبری بودن آن سبب ایجاد فاصله و پیوسته نبودن اجزای جمله است؛ اما اگر فعل جمله متعدی و «کم» مفعول آن باشد، آمدن «من» قبل از تمییز کم چه خبری باشد و چه پرسشی ضروری است تا مبادا تمییز با مفعول به اشتباه شود (رضی، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۱۰۸).

۴-۱-۱. ترجمه «کم» به فارسی

«کم» در مفهوم خبری، به معنای خبردادن از مقدار بسیار و فراوان است که معادل‌های فارسی گوناگون برای آن در نظر گرفته می‌شود؛ مانند انبوه، بس، بسی، خیلی، فراوان، افزون، بی‌اندازه، پربسامد، بی‌شمار (خداپرستی، ۱۳۷۶، ص ۳۸).
برابره‌های فارسی نوع پرسشی «کم» نیز عبارتند از: چند، چقدر، چه اندازه، چه مقدار، چه میزان.

بنابراین باید توجه کرد که در ترجمه «کم» قید برای جفت آورده شود یا تأکید برای فعل رویاندن. باتوجه به توضیحات آیه اینگونه ترجمه می‌شود: (...که در آن از هر جفتی ارزشمند به‌وفور رویانندیم). اما برگردان مترجمان از آیه: «...چند رویانندیم در آن از هر نوعی کریم» (رازی، ۱۹۸۱، ص ۳۶۷).

«...که چه بسیار در آن از هر جفت ارزشمندی رویانده‌ایم» (خرمشاهی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۷). «...که چقدر در آن از هرگونه جفت‌های زیبا رویانیده‌ایم» (فولادوند، ۱۳۸۸، ص ۳۶۷). «...که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویانده‌ایم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۷).

نقد ترجمه‌ها: آیه به سبب «أ» استفهام پرسشی است و ترجمه خرمشاهی و مکارم شیرازی نیز به صورت پرسشی آمده است؛ اما درباره نوع «کم» در ترجمه مکارم، فولادوند و رازی که از دو واژه «چقدر» و «چند» استفاده شده که مشترک میان گزاره‌های پرسشی و تعجبی است، به درستی تشخیص داده نمی‌شود آیا نوع پرسشی آن مد نظر آنان بود یا نوع خبری آن؟ بنابراین باتوجه به اینکه مفسران نیز آن را خبری و برای تکثیر و شمول دانسته‌اند (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۹، ص ۱۰۱)، باید در ترجمه به گونه‌ای بیان می‌شد که معنای خبری و تعجبی آن برای مخاطب روشن باشد.

هرچند ابن‌عاشور «کم» را مفعول مطلق برای فعل «إنبات» در نظر گرفته است (همان)، مترجمان در این آیه بدون اینکه خود را درگیر دغدغه‌های نقش کلمات بکنند، براساس روالی تکراری و همیشگی آیات را ترجمه کرده‌اند. به عبارت دیگر، اگر نقش

«کم» در جمله مد نظر مترجمان بود، در این آیه «کم» را مفعول مطلق و قیدی برای فعل یعنی «کم إنبات أنبتنا» ترجمه می‌کنند؛ زیرا «کل» معنای شمول و فراوانی جفت‌ها را می‌رساند، پس «کم» ممکن است مفعول مطلق و نشان‌دهنده فراوانی فعل باشد. (ب) (سَلِّ بِنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ...) (بقره، ۲۱۱).

برخی مفسران «کم» را در این آیه پرسشی دانسته‌اند؛ یعنی خداوند از شمار نشانه‌های داده شده به بنی اسرائیل می‌پرسد؛ بنابراین «کم آتیناهم» مفعول به برای فعل «سل» است که لفظاً با «کم» پرسشی از عمل معلق است (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۲۸۹). از اغراض بلاغی که در پرسشی بودن «کم» در اینجا ذکر شده است، به «تقریر» اشاره می‌شود؛ یعنی پرسش برای وادارکردن مخاطب به اقرار و اعتراف به نشانه‌های فراوان است. از دیگر اغراضی که در پی پرسشی بودن «کم» مطرح شده، اثبات و تحقق یافتن معنا است؛ زیرا که بنی اسرائیل بر انکار حق و نفی آن اصرار می‌کنند (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۲۸۸).

اما زمخشری «کم» را خبری می‌داند و معتقد است «کم» در این آیه برای تقریر (سرزنش و ملامت) آمده است. یعنی از بنی اسرائیل سوال کن، چه بسیار آیات و نشانه‌های روشن که به ایشان داده‌ایم؛ اما ابوحیان اندلسی ضمن مخالفت با دیدگاه زمخشری بر این باور است که خبری بودن «کم» سبب ایجاد فاصله و منقطع شدن اجزای جمله می‌شود (اندلسی، ۱۹۹۳، ج ۲، ص ۱۳۵). بنابراین اگر باتوجه به استدلال صاحب البحرالمحیط «کم» پرسشی دانسته شود تا متناسب با غرض تقریر یا توبیخ باشد، ترجمه

ترجمه رازی و طبری صحیح نیست. این نمونه از مصادیق چالش شماره ۳ هم است.

(ج) (أَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ) (طه، ۱۲۸).

(أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ) (سجده، ۲۶).

ابن عاشور در سوره طه «کم» را پرسشی و «کم أهلکنا» را در محل نصب مفعول به فعل «لم یهد» می‌داند؛ یعنی آیا جواب این سوال که ما چقدر نسل‌های پیشین را نابود کردیم، برایشان کافی نبود؟ (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۱۶، ص ۳۳۴). با وجود اینکه فعل «لم یهد» به سبب «کم» پرسشی از عمل خود معلق شده و ابن عاشور آن را پرسشی ذکر کرده است؛ اما در شرح آیه می‌گوید: کثرة إهلاكنا القرون؛ بنابراین «کم» پرسشی و در معنای خبری است و پرسش جمله نیز حقیقی نیست؛ بلکه غرض استفهام انکاری و تعجبی است.

برخی مفسران «کم» را در اصل خبری و مفعول «أهلکنا» و جمله «کم أهلکنا» را جانشین مفعول محذوف برای «یهد» می‌دانند و «یهد» متضمن معنای «یبین» و فاعل آن «الله» و محذوف است؛ یعنی «ألم یبین الله لكم العبرَ بإهلاكِ القرونِ الخالیةِ» و «کم أهلکنا» یعنی «کثیراً أهلکنا» (اندلسی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۶۷).

ترجمه پیشنهادی این دو آیه بر مبنای شرح بالا ممکن است چنین باشد: آیا برای آنان ثابت نشد که ما چه بسیار نسل‌های پیشین را نابود کردیم؟

اکنون به برگردان دو آیه از دید مترجمان پرداخته می‌شود:

پیشنهادی عبارت است از: از بنی اسرائیل بپرس چقدر نشانه‌های روشن به آنان دادیم؟!

اکنون ترجمه بررسی و نقد می‌شود:

«بپرس از فرزندان یعقوب تا چند دادیم ایشان را از حجتی روشن» (رازی، ۱۹۸۱، ص ۳۳).

«از بنی اسرائیل بپرس چه بسیار معجزه آشکار به آنان [نشان] دادیم» (خرمشاهی، ۱۳۷۵، ص ۳۳).

«از فرزندان اسرائیل بپرس چه بسیار نشانه‌های روشنی به آنان دادیم» (فولادوند، ۱۳۸۸، ص ۳۳).

«از بنی اسرائیل بپرس «چه اندازه نشانه‌های روشن به آنها دادیم»؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

نقد ترجمه‌ها: هر چند مهم‌ترین چالش مترجمان در این آیه انعکاس معنای تقریر (اقرار کردن به فراوانی نشانه‌های خداوند) در برگردان «کم» پرسشی است که در ترجمه پیشنهادی برای بیان این مقصود ناگزیر از علامت پرسشی و تعجب استفاده شد، خرمشاهی و فولادوند «کم» را خبری در نظر گرفته‌اند که باتوجه به رأی بیشتر مفسران بهتر بود مانند ترجمه رازی و طبری پرسشی ترجمه کنند.

در این آیه هم خرمشاهی با اینکه «کم» را خبری در نظر گرفت؛ اما تمییز آن را مفرد ترجمه کرده است. به‌طورکل اینگونه نتیجه گرفته می‌شود که او در برگردان تمام آیات، تمییز مفرد را مفرد و جمع را جمع آورده است؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، روند یکسانی در ترجمه تمییز مفرد ندارد؛ اما رازی جزء یک نمونه یعنی آیه ۳۶ سوره ق (وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قُرُونٍ)، گفته می‌شود او هر جا تمییز مفرد آمده است آن را مفرد و هر جا جمع آمده است، جمع ترجمه کرده است و نکته دیگر برگردان حرف جر «مِنْ» در

رازی:

«چند هلاک کردیم پیش ایشان از امتان که می‌روند در جای‌های ایشان» (۱۳۷۹، طه ۱۲۸، ۳۲۱).
«چند که هلاک کردیم ما از پیش ایشان از گروه‌ها» (۱۳۷۹، سجده ۲۶، ۴۱۷).

خرمشاهی:

«آیا برای آنان روشن نشده است که پیش از آنان چه بسیار نسل‌هایی را نابود کردیم» (۱۳۷۵، طه ۱۲۸، ۳۲۱).

آیا برای ایشان روشن نشده است که پیش از آنان چه بسیار نسل‌هایی را نابود کردیم (۱۳۷۵، سجده ۲۶، ۴۱۷).

فولادوند:

آیا برای هدایتشان کافی نبود که [ببینند] چه نسل‌ها را پیش از آنان نابود کردیم (۱۳۸۸، طه ۱۲۸، ۳۲۱).

آیا برای آنان روشن نشده که چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنها نابود گردانیدیم (۱۳۸۸، سجده ۲۶، ۴۱۷).

مکارم شیرازی:

«آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از نسل‌های پیشین را هلاک کردیم (۱۳۸۰، طه ۱۲۸، ۳۲۱).

«آیا برای هدایت آنها همین کافی نیست که افراد زیادی را در قرن پیش از آنها زندگی داشتند هلاک کردیم؟» (۱۳۸۰، سجده ۲۶، ص ۴۱۷).

نقد ترجمه: اگرچه ساختار و سیاق دو آیه شبیه هم است، گویا رازی در برگردان «کم» دو شیوه متفاوت در پیش گرفته است و در برگردان سوره طه «کم» را پرسشی در نظر گرفته است و آن را بدون

الف کثرت «چند» ترجمه کرده است. از طرفی حرف جر بیانی نیز ترجمه شده که صحیح نیست. افزون بر این، چون «کم» معنای تعجبی نیز می‌دهد، بهتر است مفهوم تعجب را در ترجمه انعکاس داد که در ترجمه مکارم شیرازی «بسیاری از نسل‌های پیشین» و «افراد زیادی» واژه‌ای برای بیان این شگفتی در برگردان آن وجود ندارد تا تعجب موجود در زبان مبدأ را در زبان مقصد منعکس کند.

در ترجمه مکارم نقص دیگری نیز به چشم می‌خورد و آن برگردان «قرون» به «قرن پیش» است؛ در حالی که قبلاً بیان شد «قرون» به معنای مردمانی است که در دوران گذشته می‌زیسته‌اند. با این بیان مکارم در آیه اول، قرون را به صورت «نسل‌های پیشین» ترجمه کرده است؛ اما در آیه دوم برگردان آن را به صورت «قرن پیش» آورده است که دلالت بر نوعی ناهماهنگی در معادل‌گذاری ترجمه‌های آیات دارد. این نمونه از مصادیق چالش شماره ۳ هم است.
(د) گروه بعدی آیات در این بخش:

(أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ) (یس، ۳۱).

(أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ) (انعام، ۶).

با مراجعه به تفاسیر گفته می‌شود «کم» در این دو آیه برای تکثیر به کار رفته است. از نظر کتاب‌های اعراب القرآن فعل «رؤیة» به معنای «علم» و با آمدن «کم» از عمل معلق شده است (درویش، ۱۹۹۹م، ج ۲، ص ۳۳۰) و در سوره یس جمله «أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ» بدل اشتمال از جمله «أَهْلَكْنَا» است. از این رو معنای «کم»، «کثرة الإهلاك یا کثرة المهلكين» (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۲۳، ص ۱۰) است و در سوره

است و در این باره میان مفسران و مترجمان اختلاف وجود دارد.

از سویی دیگر رازی طبق روال پیشین باز هم برای «من» بیانی، حرف اضافه «از» به کار برده است؛ در حالی که نیازی به ترجمه «از» نیست. مکارم هم «من» را به صورت «من» تبعیضی ترجمه کرده است. با وجود تفاوت دو آیه در جمع بودن تمیز در سوره انعام و مفرد بودن آن در سوره یس مترجمان باتوجه به مفهوم آن، همگی آن را در هر دو آیه به صیغه جمع ترجمه کردند. از آنجا که بنا بر نظر نحویان تمیز مفرد بلیغ تر و شیواتر از تمیز جمع است، در ترجمه از قید «بی شمار» استفاده می‌شود.

به‌طور کلی از مقایسه میان ترجمه‌ها دریافته می‌شود: فولادوند در ترجمه تمیز «کم» چه مفرد و چه جمع برگردان آن را به صورت جمع آورده است، جزء در آیه (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ)، (بقره، ۲۴۹) که به دلیل نامشخصی، تمیز مفرد را مفرد ترجمه کرده است. مکارم نیز در تمام آیات تمیزها را جمع ترجمه کرده است؛ اما در برگردان آیه (وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ) (اسراء، ۱۷) از اسم جمع «مردمی» استفاده کرده است و در بقیه آیات مشابه برگردان‌های گوناگونی برگزیده است؛ یعنی در آیه ۱۲۸ سوره طه «نسل‌های پیشین» و آیه ۲۶ سوره سجده «افراد زیادی» و آیه ۳۱ سوره یس و ۶ سوره انعام «اقوام پیشین» آورده است.

رازی در ترجمه تمیز به‌طور کلی هر جا تمیز مفرد بوده، به شکل مفرد و هر جا جمع بوده است، جمع ترجمه کرد، جزء در آیه (وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ) (ق، ۳۶) که از این روند سرباز زده و تمیز مفرد «قرن» را جمع ترجمه کرده است. او همچنین از الفاظ همگون و یکسانی در برگردان تمیز استفاده نکرده

انعام تمیز «کم» مفرد آمده است؛ اما همان گونه که گفته شد دلالت تمیز مفرد بر کثرت گویاتر از جمع است؛ از این رو ترجمه پیشنهادی آیه ممکن است بدین صورت باشد: مگر ندیده‌اند که چه بسیار/ چه بی شمار نسل‌ها را پیش از ایشان نابود کردیم؟ اکنون ترجمه را نقد و بررسی می‌کنیم:

رازی:

«نمی‌بینند که چند هلاک کردیم پیش ایشان از خلائق» (۱۹۸۱، یس ۳۱، ۴۴۲).

«ندیدند که چند هلاک کردیم از پیش ایشان از گروهی که ممکن کردیم ایشان را در زمین» (۱۹۸۱، انعام ۶، ۱۲۸)
خرمشاهی:

«آیا نیندیشیده‌اند که چه بسیار پیش از ایشان، نسل‌هایی را نابود کردیم» (۱۳۷۵، یس ۳۱، ۴۴۲).
«آیا نیندیشیده‌اند که پیش از آنان چه بسیار اقوامی را ... نابود کردیم» (۱۳۷۵، انعام ۶، ۱۲۸).
فولادوند:

«مگر ندیده‌اند که چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم» (۱۳۸۸، یس ۳۱، ۴۴۲).
«آیا ندیده‌اند که پیش از آنان چه بسیار امت‌ها را هلاک کردیم؟» (۱۳۸۸، انعام ۶، ۱۲۸).
مکارم شیرازی:

«آیا ندیدند چقدر از اقوام پیش از آنان را هلاک کردیم؟» (۱۳۸۰، یس ۳۱، ۴۴۲).
«آیا ندیدن چقدر از اقوام پیشین را هلاک کردیم» (انعام ۶، ۱۳۸۰، ۱۲۸).

نقد ترجمه: ظاهراً مکارم شیرازی و رازی «کم» را پرسشی ترجمه کرده‌اند؛ یعنی در آیه پرسش از شمار

است، مثلاً «قرن» در آیات گروه ۸ و «القرون» در آیات گروه ۱۰ و ۱۱ را «امتان و خلائق» ترجمه کرده است.

در این میان در ترجمه‌های خرمشاهی، بیشترین ناهماهنگی و ناهمگونی در برگردان تمییز «کم» مشاهده می‌شود. او گاهی تمییز مفرد را مفرد و گاهی جمع ترجمه می‌کند، مثلاً در آیات گروه ۸ و ۹ تمییزهای مفرد همگی جمع ترجمه شده‌اند؛ اما در آیات (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ) (بقره، ۲۴۹)، (وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ) (نجم، ۲۶)، (وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ) (زخرف، ۶) و (كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ) (بقره، ۲۱۱)، تمییز مفرد همچنان مفرد ترجمه شده است. این نمونه از مصادیق چالش شماره ۳ هم است.

۲-۱-۵-۱. مفهوم مباهات: همان‌گونه که در توضیح «کم» آورده شد، این نوع ادوات تکثیر علاوه بر معنای «کثرت» دلالت بر معنای «مباهات و افتخار» نیز دارند (زرکشی، ۱۹۹۰م، ج ۴، ص ۳۲۸)، مثلاً در آیه (وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ) (اسراء، ۱۷) «کم» خبری افزون بر معنای تکثیر نشان‌دهنده مفهوم افتخار نیز است (ابن‌هشام، ۲۰۰۹م، ۳۳۶) و نبود نشانه‌های نگارشی انعکاس معنای تفاخر را شاید کمی دشوارتر کند. مثال‌های این چالش عبارتند از:

الف) (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ) (بقره، ۲۴۹).

این آیه برای تشویق و ترغیب مؤمنان به جنگ با کفار و صبر و استقامت در راه رسیدن به پیروزی است؛ یعنی ما به جالوت و شمار فراوان سپاهش توجهی نداریم؛ زیرا فراوانی تعداد دلیل بر پیروزی نیست. بسیار پیش آمده است که گروه اندکی

توانسته‌اند گروه فراوانی را شکست دهند و این در طول تاریخ و دوران گذشته اتفاق افتاده است. پس «کم» در اینجا معنای تکثیر دارد و تمییز آن «فئته» مفرد و در معنای جمع است، گویی گفته شود: بسیاری از گروه‌های اندک و انگشت‌شمار بر گروه‌های فراوان غلبه کنند (أبوحیان، ۱۹۹۳م، ج ۲، ص ۲۷۷) و «کم» برای دلالت بر تکثیر «فئته» است؛ زیرا اگر «کم» جانشین مفعول‌فیه یا مفعول مطلق باشد، لازم است مصدر یا ظرفی مضاف‌الیه در تقدیر باشد (ابن‌یعیش، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۳) که با وجود «من فئته» این تقدیر امکان‌پذیر نیست.

اکنون با ارائه یک نمونه ترجمه پیشنهادی برای آیه بالا، آیات نقد و ترجمه می‌شود:

ترجمه پیشنهادی: چه بسیار گروه‌های اندکی که بر گروه‌های فراوان غلبه یافتند.

اما مترجمان اینگونه ترجمه کرده‌اند:

بس گروه اندک که غلبه کند گروه بسیار را... (رازی، ۱۹۸۱، ص ۴۱).

چه بسا گروهی اندک‌شمار که به توفیق الهی بر گروهی انبوه... (خرمشاهی، ۱۳۷۵، ص ۴۱).

بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار... (فولادوند، ۱۳۸۸، ص ۴۱).

چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا بر گروه‌های عظیمی... (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۴۱).

نقد ترجمه‌ها: با اینکه «کم» افزون بر مفهوم کثرت، مفهوم مباهات نیز دارد (زرکشی، ۱۹۹۰م، ج ۴، ص ۳۲۸)؛ اما تنها در ترجمه خرمشاهی و مکارم شیرازی با استفاده از لفظ «چه» این مفهوم انعکاس یافته است.

لفظ «بسیار» را به‌تنهایی بدون «چه» به کار برده که نشان می‌دهد از روال پیشین پیروی نکرده است.

منظور از قرون جمع «قرن» واحد زمانی صدساله نیست؛ بلکه نسلی است که در دوره زمانی معینی از تاریخ زندگی می‌کردند و منظور نسلی است که پس از نوح می‌زیستند (اندلسی، ۱۹۹۳، ج ۶، ص ۱۸) یا مردمی که در یک دوره چهل ساله یا صد و بیست ساله یا صدساله زندگی کرده‌اند (ابن‌منظور، بی‌تا، ماده «قرن»، ج ۵، ص ۶۰۹).

بنابراین گفته می‌شود: چه بسیار نسل‌های پس از نوح را هلاک کردیم!
اما ترجمه‌های آیه:

«و بس که هلاک کردیم از جماعات از پس نوح...» (رازی، ۱۹۸۱، ص ۲۸۳).

«چه بسیار اقوام را که پس از نوح هلاک کردیم و...» (خرمشاهی، ۱۳۷۵، ص ۲۸۳).

«چه بسیار نسل‌ها را که ما پس از نوح به هلاکت رساندیم...» (فولادوند، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳).

«چه بسیار مردمی که در قرون بعد از نوح زندگی می‌کردند، آنها را هلاک کردیم...» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۳).

نقد ترجمه: همان‌گونه که گذشت «من» حرف جر بیانی است؛ اما در ترجمه رازی به تأثیر از «من» که گاهی حرف جر ابتدای غایت نیز است، به‌صورت «از» ترجمه شده است. افزون بر این معنای تفاخر در «کم» نیز انعکاس نیافته است. لازم به ذکر است خرمشاهی در تمام آیات این بخش، قید «بسیار» را با قید «چه» آورده است تا افزون بر مفهوم کثرت، مفهوم تعجب را نیز به زبان مقصد انتقال دهد. برخلاف فولادوند که در انتقال این معنا یکسان عمل نکرده

نکته توجه‌برانگیز دیگر برگردان تمیز «کم» یعنی «من فئه» است، باوجود مفردبودن همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، معنای جمع می‌دهد (ازهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۰) و باید به صیغه جمع ترجمه شود تا نشان‌دهنده مفهوم کثرت باشد؛ اما مترجمان جزء مکارم شیرازی آن را مفرد ترجمه کرده‌اند.

افزون بر این اگر مراد از «کم» فراوان‌دانستن گروه‌های اندکی باشد که به پیروزی رسیده‌اند، لازم است به‌گونه‌ای در ترجمه این فراوانی انعکاس یابد؛ اما مترجمان (فولادوند و خرمشاهی) به‌گونه‌ای ترجمه کرده‌اند که «بسا» قیدی برای فعل «غلبت» است، نه برای تمیز «کم». این نمونه از مصادیق چالش شماره ۴ هم است.

ب) (وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا) (إسراء، ۱۷).

آیه وعده خداوند به پیامبر در نابودی معاندان چون سنت گذشته است (زمخشری، ۱۹۹۸م، ج ۴، ص ۶۲). واژه «کم» خبری و مفعول‌به برای اهلکنا و «من القرون» تمیز آن است (درویش، ۱۹۹۹م، ج ۴، ص ۳۳۴).

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، تمیز «کم» خبری مفرد یا جمع می‌آید و برخی دلیل جمع‌بودن آن را دلالت بر جماعت‌داشتن می‌دانند؛ بر این اساس «کم رجال عندک!» یعنی: «کم جماعات من الرجال» (سیوطی، ۱۴۳۲م، ج ۱، ص ۲۵۴).

در این آیه «کم» مفهوم تفاخر و مباهات نیز دارد. در ترجمه خرمشاهی و مکارم شیرازی و فولادوند با استفاده از لفظ «چه» معنای مباهات نیز منتقل می‌شود؛ البته فولادوند در آیه قبل یعنی سوره بقره، آیه ۲۴۹

علوم القرآن «کم» را در این آیه برای افتخار و مباهات می‌داند (زرکشی، ۱۹۹۰م، ج ۴، ص ۳۲۸).

براساس توضیحات بالا آیه چنین ترجمه می‌شود:
چه بسیار فرشتگان مقرب آسمان‌ها که شفاعت آنها سودی نمی‌بخشد.

اما برگردان مترجمان:

«بس فرشته در آسمان‌ها غنا نکند شفاعت ایشان چیزی...» (رازی، ۱۹۸۱، ص ۵۲۶).

«و چه بسیار فرشته در آسمان‌هاست که شفاعت آنان سودی ندارد...» (خرمشاهی، ۱۳۷۵، ص ۵۲۶).

«و بسا فرشتگانی که در آسمان‌ها اینند [و] شفاعتشان به کاری نیاید...» (فولادوند، ۱۳۸۸، ص ۵۲۶).

«چه بسیار فرشتگان آسمان‌ها که شفاعت آنها سودی نمی‌بخشد...» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۲۶).

نقد ترجمه: یکی از ناهماهنگی‌ها در ترجمه این آیه برگردان تمییز «کم» است که گاهی به صیغه مفرد (خرمشاهی و رازی) و گاهی به صیغه جمع (فولادوند و مکارم) ترجمه شده است؛ در صورتی که برای انتقال مفهوم کثرت باید به صیغه جمع ترجمه شود. گذشته از این گاهی این ناهماهنگی در ترجمه یک مترجم از آیات مختلف نیز دیده می‌شود، مثلاً خرمشاهی خود نیز در ترجمه تمییز مفرد یکسان عمل نکرده است، مثلاً در آیات گروه ۸ (کَمِ أَهْلَكُنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ) و ۹ (وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنٍ) تمییز مفرد را جمع و در آیه ۲۶ سوره نجم آن را مفرد ترجمه کرده است.

است، مثلاً در آیه (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً) (بقره، ۲۴۹) و (وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ) (نجم، ۲۶)، تنها به آوردن قید «بسیار»، دلالت‌دارنده بر فزونی، بسنده کرده است.

همین ناهماهنگی در ترجمه مکارم شیرازی نیز مشاهده می‌شود، مثلاً در ترجمه آیه (كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ) (طه، ۱۲۸) و (كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ) (سجده، ۲۶)، هیچ قید تعجبی نیاورده است؛ اما در بقیه آیات مانند آیه مذکور در برگردان «کم» از واژه «چه» کمک گرفته است.

از سویی دیگر باتوجه به مفهوم «قرن» که پیشتر بیان شد، مکارم «قرون» را با دو مفهوم «عصر و دوران» و نیز «مردم» آورده است.

در ترجمه رازی نیز به نظر می‌رسد فعل هلاک کردن با قید «کم» مقید شده است نه تمییز «کم»، در این صورت باید «کم» در حکم مفعول مطلق باشد؛ زیرا مفعول مطلق است که فعل را مقید می‌کند؛ در صورتی که «کم» مفعول به است (صافی، بی تا، ج ۱۵، ص ۲۶). این نمونه از مصادیق چالش شماره ۳ هم است.

ج) (وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى) (نجم، ۲۶).

در این آیه نیز بنا به گفته مفسران «کم» خبری است و برای بیان مفهوم کثرت آمده و تمییز آن «ملک» اگرچه به صیغه مفرد بیان شده است، در مفهوم جمع است؛ از این رو دیده می‌شود ضمیر «هم» در «شفاعتهم» که به «ملک» باز می‌گردد، به صیغه جمع آمده است؛ یعنی بسیاری از فرشتگان (اندلسی، ۱۹۹۳م، ج ۸، ص ۱۶۱) و نویسنده کتاب البرهان فی

۳-۱-۵-۱. تعیین جزء مقید جمله: از دیگر چالش‌ها در برگردان «کم» تعیین جزء مقید جمله است. لازم است توجه داشت «کم» که قید کثرت است، کدام یک از اجزای جمله را مقید می‌کند، فعل را، تمییز را، یا دیگر اجزای آن را؟ گاهی مفسران نیز در این چالش سهیم‌اند، مثلاً نویسنده کتاب البحرالمحیط در تکتیر «کم» در آیه (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً) (بقره، ۲۴۹) تردید دارد که قیدی برای «فئته» باشد یا «غلبت». او در جایی می‌گوید: «فکثیراً ما انتصر القليل علی الكثير» که ظاهراً «کم» معنای مفعول‌فیه می‌دهد؛ یعنی دفعه‌های فراوانی اتفاق می‌افتد که گروه اندک بر گروه فراوان غلبه کند و در جای دیگری می‌گوید: «کثیر من الفئات القلیله غلبت» که در اینجا «کم» برای تکتیر «فئته» آمده است (اندلسی، ۱۹۹۳م، ج ۲، ص ۲۷۷)؛ یعنی بسیاری از گروه‌های اندک‌اند که بر گروه فراوان غلبه می‌کنند. مثال‌های این چالش عبارتند از:

الف) (وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ) (زخرف، ۶).

آیه برای دلگرمی و امیدبخشیدن به پیامبر نازل شده است؛ از این رو «کم»، خبری و نشان‌دهنده مفهوم تکتیر است (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۲۵، ص ۱۶۵) و یادآوری می‌کند که ای محمد! پیامبران فراوانی مانند تو فرستاده شده‌اند و پیشینیان آنان را تکذیب کردند، همان‌گونه که قریش تو را تکذیب کرد (فخر رازی، ۱۹۸۱م، ج ۲۷، ص ۱۹۶).

ترجمه پیشنهادی باتوجه به شرح بالا چنین (چه فراوان/ چه بی‌شمار پیامبرانی که در میان گذشتگان فرستادیم) است.

اما برگردان آیه از سوی مترجمان:

«بس که فرستادیم از پیغامبری در پیشینگان» (رازی، ۱۹۸۱، ص ۴۸۹).

«و چه بسیار پیامبر در میان پیشینیان فرستاده‌ایم» (خرم‌شاهی، ۱۳۷۵، ص ۴۸۹).

«و چه بسا پیامبرانی که در [میان] گذشتگان روانه کردیم» (فولادوند، ۱۳۸۸، ص ۴۸۹).

«چه بسیار پیامبرانی که برای هدایت در میان اقوام پیشین فرستادیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۹).

نقد ترجمه‌ها: تمییز «کم» یعنی «من نبی» به صیغه مفرد است؛ اما همان‌گونه که پیشتر بیان شد باید به صیغه جمع ترجمه شود و مفرد آوردنش برای شیوایی و رسایی بیشتر است (سامرائی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۳۳۹)؛ بنابراین رازی و خرم‌شاهی در برگردان آیه به این نکته توجه نداشتند؛ اما مترجمان دیگر آن را رعایت کرده‌اند. همچنین «من» حرف جر بیانی است (ابن السراج، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۲۷۳) و نباید به صورت «از» ترجمه شود (ناظمیان، ۱۳۸۹، ص ۶۱)؛ اما رازی آن را ترجمه کرده است.

افزون بر این در ترجمه رازی به جای مقیدشدن تمییز «کم» یعنی «نبی» با قید «کم» فعل جمله مقید شده است؛ در صورتی که اگر فعل جمله مقید شود، باید تمییز «کم» مصدر فعل کم إرسالا أرسلنا... باشد. این نمونه از مصادیق چالش شماره ۴ هم است.

ب) (كَمْ تَرَكَوْا مِنْ جَنَّاتٍ وَعَيْوُنٍ) (دخان، ۲۵)

در این آیه مفسران «کم» را خبری و برای دلالت بر تکتیر می‌دانند؛ یعنی قیدی برای فراوانی باغ‌ها و چشمه‌ها است (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۲۵، ص ۳۰۲).

بنابراین، ترجمه آیه ممکن است اینگونه باشد:

چه افزون/ چه بی‌شمار باغ‌ها و چشمه‌سارانی که بر جای نهادند.

و مترجمان بدین صورت ترجمه کرده‌اند:

«بس که رها کردند از بوستان‌ها و چشمه‌ها»
(رازی، ۱۸۹۷، ص ۴۹۷).

«چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌ساران از خود باقی
گذارند» (خرمشاهی، ۱۳۷۵، ص ۴۹۷).

«چه باغ‌ها و چشمه‌سارانی [که آنها بعد از خود]
بر جای نهادند» (فولادوند، ۱۳۸۸، ص ۴۹۷).

«چه بسیار باغ‌ها، بوستان‌ها و چشمه‌های آب از
خود به جای گذاشتند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰،
ص ۴۹۷).

نقد ترجمه: حرف جر «مِن» بیانی است؛
درحالی‌که رازی به نحوی «مِن» را ترجمه کرده است،
گویا آن را با «مِن» به معنای ابتدای غایت یکسان
می‌داند و نیز در نگاه اول به نظر می‌رسد در ترجمه
او آنچه که با قید «کَم» مقید شده است، فعل «ترکوا»
رهاکردن است؛ در صورتی که باید «کَم» قیدی است
برای تمییز خود (جنات و عیون). این نمونه از
مصادیق چالش شماره ۴ هم است.

(ج) **وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِشَتَهَا** (قصص،
۵۸).

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً (انبیاء، ۱۱).

«کم» در سوره قصص، خبری و برای تکثیر
است؛ یعنی اقوام بسیاری مانند قریش در آسایش و
نعمت بودند و به سبب سرکشی ما آنها را نابود کردیم
(زمخشری، ۱۹۹۸، ج ۴، ص ۵۱۶).

همین‌طور در سوره انبیاء نیز «کم» برای تکثیر و
به معنای «کثیرا من أهل القرى أهلکنا إهلاکاً شدیداً»،
یعنی بسیاری از اهالی شهر را به‌سختی نابود کردیم
(اندلسی، ۱۹۹۳، ج ۶، ص ۲۷۸).

«قریه» تمییز مفرد و مقصود از آن جمع است و
نکته دیگر این آیات این است که تمییز در اصل واژه
«اهل» بوده که حذف شده و مضاف‌الیه آن «قریه»
جانشین آن شده است؛ یعنی نوعی مجاز است که
برای بیان نابودی کامل شهر و اهالی آن به کار رفته
است (تفتازانی، ۴، ص ۴۵).

ترجمه آیه اینگونه پیشنهاد می‌شود: چه فراوان
شهرها و ساکنان آن که نابودشان کردیم / به‌سختی
نابودشان کردیم.

اکنون ترجمه‌ها بررسی و نقد می‌شود:

رازی:

«و چندانکه هلاک کردیم ما از اهل شهری»
(۱۹۸۱، قصص، ۵۸، ۳۹۲).

«و بس که بشکستیم از دهی که ظالم بودند»
(۱۹۸۱، انبیاء، ۱۱، ۳۲۳).

خرمشاهی:

«چه بسیار شهرها که از (شدت رفاه) زندگانیشان
سرمستی می‌کردند، نابود کردیم» (۱۳۷۵، قصص ۵۸،
۳۹۲).

«و چه بسیار شهرهایی را که [اهالی آن] ستمگر
بودند، درهم شکستیم» (۱۳۷۵، انبیاء ۱۱، ۳۲۳).

فولادوند:

«چه بسیار شهرها که هلاکش کردم» (۱۳۸۸،
قصص ۵۸، ۳۹۲).

«و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستمکار
بودند، در هم شکستیم» (۱۳۸۸، انبیاء ۱۱، ۳۲۳).

مکارم شیرازی:

«چه بسیار از شهرها و آبادی‌هایی را... هلاک
کردیم» (۱۳۸۰، قصص ۵۸، ۳۹۲).

مُنْهَا) (بقره، ۱۰۶) حرف «مِن» در آن برای بیان جنس است (عضیمه، بی تا، ق ۱، ج ۳) و در ترجمه نیازی به برگردان ندارد. مثال این چالش عبارت است از:

كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ... (مریم، ۹۸).

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ... (ص، ۳).

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا... (ق، ۳۶).

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِثًا (مریم، ۷۴).

(آیات بالا) که سیاق یکسانی دارند، در یک گروه بررسی می‌شود).

این آیات وعده‌ای است به کافران به سبب کفر و استکبارشان یعنی ما بسیاری از امت‌های پیشین مانند شما را نابود کردیم (فخر رازی، ۱۹۸۱م، ج ۲۶، ص ۷) و همان‌گونه که گذشت منظور از «قرن» امت و گروه است (ألوسی، بی تا، ج ۲۳، ص ۱۶۳). گذشته از تکثیر در «کم» معنای تفاخر به نابودی کافران مستکبر نیز فهمیده می‌شود و تمییز «کم» در بیان مفهوم جمع به صیغه مفرد آمده است تا براساس نظر دانشمندان نحو در رساندن معنای فزونی و کثرت رساتر و دایره شمول آن گسترده‌تر باشد تا شمار بیشتری را نسبت در برگیرد (ازهری، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۰).

ترجمه پیشنهادی این آیات باتوجه به توضیحات پیشین اینگونه است: چه بی شمار نسل‌هایی را قبل از ایشان بر انداختیم!

ترجمه آیات:

رازی:

«بس که هلاک کردیم پیش ایشان از گروهی»

(۱۹۸۱، مریم ۹۸، ۳۱۲).

«چه بسیار آبادی‌های ستمگری را در هم شکستیم» (۱۳۸۰، انبیاء، ۱۱، ۳۲۱).

نقد ترجمه: حرف جر (مِن) در برگردان رازی و نیز در ترجمه قصص مکارم شیرازی ترجمه شده است که قبلاً بدان اشاره شد و «قریه» نیز در برگردان رازی برخلاف دیگر مترجمان مفرد ترجمه شده است. نکته‌ی دیگر اینکه در اینجا فقط نابودی شهر مد نظر نیست؛ بلکه شهر و ساکنان آن همگی نابود شدند که جزء رازی و خرمشاهی که هرکدام در یکی از آیه‌ها مضاف محذوف را در ترجمه خود آورده‌اند. ترجمه رازی به‌گونه‌ای است که گویا ترجمه «کم» را قیدی برای «هلاک کردن» آورده است؛ در صورتی که دیگر مترجمان آن را قید تمییز خود ترجمه کردند، نه برای فعل جمله. این نمونه از مصادیق چالش شماره ۴ هم است.

۴-۱-۵-۱. حرف جر «مِن» در تمییز «کم»: یکی دیگر دشواری‌های برگردان «کم» آمدن حرف جر «مِن» است. حروف جر عربی نقش مهم و گسترده‌ای در زبان دارد؛ از این رو مترجم باید با معانی حروف و معادل دقیق آنها آشنا باشد؛ اما گاه ممکن است این حروف از نظر نحوی متعلق نداشته باشد که در آن صورت نیازی به ترجمه ندارد (ناظمیان، ۱۳۸۹، ص ۶۱)؛ از این رو برگردان آن در زبان مقصد نیازمند ظرافت و توانمندی مترجم در انتقال معانی مفروض در آن است؛ برای مثال حرف «مِن» در آیه (وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ) (رعد، ۳۳) از این رو «مِن» در تمییز «کم» حرف جر بیانی است که جنس تمییز را مشخص می‌کند (ابن السراج، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۲۷۳)؛ مانند (مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ

«چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم»
(۱۳۸۰، ق ۳۶، ۵۲۰).

«چه بسیار اقوامی را پیش از آنان نابود کردیم»
(۱۳۸۰، مریم ۷۴، ۳۱۰).

نقد ترجمه‌ها: اگرچه مترجمان همگی در برگردان تمییز «کم» به مفهوم جمع بودن آن توجه داشتند و آن را در برگردان‌های خود به صیغه جمع آوردند، در ترجمه‌های رازی نوعی ناهماهنگی مشاهده می‌شود؛ یعنی در آیه ۳۶ سوره ق «قرن» به صورت جمع ترجمه شده است؛ اما در آیات دیگر با وجود اینکه سیاق و ساختار آیات یکی است، به صیغه مفرد ترجمه کرده است. اگر در این زمینه برگردان آیات دیگر قرآن مقایسه می‌شود، این ناهماهنگی در ترجمه دیگر مترجمان نیز مشاهده می‌شود، مثلاً فولادوند در تمام آیات قرآنی برگردان تمییز مفرد «کم» را به صورت جمع آورده است؛ اما در آیه ۲۴۹ سوره بقره با اینکه تمییز «کم» یعنی «فئة» مفرد است؛ اما آن را به صیغه مفرد ترجمه کرده است. ناهماهنگی دیگر این است که در ترجمه رازی به جای اینکه «کم» قیدی برای تمییز خود باشد، به گونه‌ای ترجمه شده است که قید فعل جمله قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

الف) تعیین خبری و پرسشی بودن «کم» در برگردان آیات یکی از مشکلات مترجمان است، مثلاً رازی گاهی «کم» خبری را چون سوره طه و شعراء پرسشی ترجمه کرده است؛ اما در سوره سجده که دقیقاً سیاق و ساختار سوره طه را دارد، «کم» را به صورت خبری ترجمه کرده است که سبب نوع

«بس که هلاک کردیم از پیش ایشان از گروهی»
(۱۹۸۱، ص ۳، ۴۵۳).

«و چند هلاک کردیم پیش از ایشان از گروهان»
(۱۹۸۱، ق ۳۶، ۵۲۰).

«و بس که ما هلاک کردیم پیش ایشان از جماعتی» (۱۹۸۱، مریم ۷۴، ۳۱۰).

خرمشاهی:

«و چه بسیار پیش از آنان نسل‌هایی را بر انداختیم» (۱۳۷۵، مریم، ۳۱۲).

«چه بسیار نسل‌ها که پیش از ایشان نابودشان»
(۱۳۷۵، ص ۳، ۴۵۳).

«و چه بسیار پیش از آنان نسل‌هایی را نابود کردیم» (۱۳۷۵، ق ۳۶، ۵۲۰).

«و چه بسیار پیش از آنان نسل‌هایی را ... نابود کردیم» (۱۳۷۵، مریم، ۳۱۰).

فولادوند:

«و چه بسیار نسل‌ها که پیش از آنان هلاک کردیم»
(۱۳۸۸، مریم ۹۸، ۳۱۲).

«چه بسیار نسل‌ها که پیش از ایشان هلاک کردم»
(۱۳۸۸، ص ۳، ۴۵۳).

«و چه بسا نسل‌ها که پیش از ایشان هلاک کردیم»
(۱۳۸۸، ق ۳۶، ۵۲۰).

«و چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان نابود کردیم»
(۱۳۸۸، مریم ۷۴، ۳۱۰).

مکارم شیرازی:

«چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم»
(۱۳۸۰، مریم ۹۸، ۳۱۲).

«چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم»
(۱۳۸۰، ص ۳، ۴۵۳).

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
 ۲. آلوسی، ابوالفضل شهاب‌الدین (بی‌تا)، روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت: دار‌احیاء التراث العربی.
 ۳. ابن السراج، أبو بکر (۱۹۸۷)، الأصول فی النحو، تحقیق: الدكتور عبد الحسین الفتلی، بیروت.
 ۴. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴)، التحریر و التنویر، الدار التونسیة للنشر، تونس.
 ۵. ابن مالک، بدرالدین ابن جمال (۱۳۸۳ق)، شرح ألفیة، بیروت: عالم‌الکتب.
 ۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، تحقیق علی شیری، دار احیاء التراث العربی، بیروت
 ۷. ابن‌هشام أنصاری (۲۰۰۹)، مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، به کوشش مازن المبارک و محمد علی حمد الله، بیروت: دارالفکر.
 ۸. ابن‌عیث، محمد بن علی (بی‌تا)، شرح المفصل، بیروت: عالم‌الکتب.
 ۹. أبو منصور أزهري، (بی‌تا)، تهذیب اللغه، به کوشش عبدالسلام هارون و محمد علی النجار، مصر.
 ۱۰. أبو حیان أندلسی، محمد بن یوسف (۱۹۹۳)، البحرالمحیط، بیروت: دارالکتب العلمیة.
 ۱۱. اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد (۱۳۷۵)، تصحیح نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، تاج‌التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۱۲. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۸۹۷)، مختصرالمعانی، بیروت: دارالفکر.
- ناهماهنگی شده است. هرچند کلمه «چقدر» و «چند» در فارسی در جملات تعجبی و پرسشی مشترک است، بهتر بود به گونه‌ای این تفاوت معنایی در برگردان مترجمان انعکاس می‌یافت.
- ب) انعکاس نیافتن مفهوم مباهات و تفاخر در ترجمه «کم» خبری چالش دیگر مترجمان است، به گونه‌ای که بیشتر مترجمان در آیات قرآنی این معنا را در کنار معنای «کثرت» در زبان مقصد بیان نکردند.
- ج) برگردان حرف جر «من» در تمییز «کم»: از آنجایی که تمییز «کم» گاهی با «حرف جر زائد» من همراه است، مترجمان آن را همانند «من» بیانی یا تبعیضی به فارسی برگردانده‌اند که با معنای تأکیدی آن تناسب ندارد. این نقص در ترجمه رازی بیشتر به چشم می‌خورد. اگرچه رازی خود نیز در آیه ۶ سوره نجم حرف «من» را ترجمه نکرده است و در مقابل مکارم در آیه ۶ سوره انعام «من» را به صورت تبعیضی ترجمه کرده است.
- د) مکان مناسب برای برگردان «کم» خبری در جمله یکی دیگر از چالش‌های مترجمان است که سبب ناهماهنگی شده است؛ بنابراین گاهی قید «بسیار» پیش از تمییز «کم» و گاهی پیش از فعل می‌آورند، در نتیجه در تعیین جزء مقید جمله در ترجمه‌ها ناهماهنگی به وجود آمده است، مثلاً رازی در برخی آیات میان «کم» و تمییز آن با فعل فاصله انداخته و «کم» را قیدی برای فعل قرار داده است و در برخی آیات تمییز را بلافاصله پس از «کم» می‌آورد، در نتیجه «کم» قیدی برای تمییز خود قرار می‌گیرد.

۱۳. حسن، عباس (۲۰۰۷)، النحوالوافی، قاهره: دارالمعارف.
۱۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۵)، ترجمه قرآن کریم، کتابخانه دیجیتال قائمیه.
۱۵. درویش، محیی‌الدین (۱۹۹۹)، إعراب القرآن و بیانه، بیروت: دارالیمامة.
۱۶. رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۹۸۱)، التفسیر الکبیر و مفاتح الغیب، بیروت: دارالفکر.
۱۷. رضی‌الدین الاسترابادی (۱۹۹۶)، شرح الکافیة فی النحو، بیروت: دارالفکر.
۱۸. الزرکشی، بدرالدین (۱۹۹۰)، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش محمد أبوالفضل إبراهیم، قاهره.
۱۹. زجاجی، ابوالقاسم عبدالرحمن (۱۹۸۶)، حروف المعانی، علی توفیق حمد، مؤسسۀ الرسالہ، اردن.
۲۰. زمخشری، أبوالقاسم محمود (۱۹۹۸)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ریاض: مکتبۀ العبیکان.
۲۱. سامرائی، فاضل (۲۰۰۰)، معانی النحو، بغداد، بیروت: دارالفکر.
۲۲. سکاکی، یوسف ابن ابی بکر (۱۹۳۷)، مفتاح العلوم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۳. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۳۲)، همع‌هوامع، جامعۀ الکویت.
۲۴. صافی، محمود، سال ندارد، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه، بیروت: دارالرشید.
۲۵. فولادوند، محمدمهدی (۱۳۸۸)، ترجمه قرآن کریم، کتابخانه دیجیتال قائمیه.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن کریم، کتابخانه دیجیتال قائمیه.
۲۷. ناظمیان، رضا (۱۳۸۹)، روش‌هایی در ترجمه، از عربی به فارسی، تهران، پرنجم.